

چرخان در آینه‌ی زمان

نویسنده

سلیمان سیّدی

سیدی، سلیمان، ۱۳۳۰ -

جهان در آینه‌ی زمان/ نویسنده سلیمان سیدی.

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۴۶۳ ص:؛ ۱۴×۲۱سم.

شایک: ۲-۵۷۲-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸

سید، سلیمان، ۱۳۳۰ - سفرها - - خطرات

موضوع ۶: سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۴

ندى كنگره: GF65

۴/۹۱۰ : راه بنای دیو

شماره کتابخانه

5A25-25:

تهران، خیابان انصاری، روبه‌روی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶.



www.nashrehshan.com

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴



جهان در آینه‌ی زمان

نویسنده: سلیمان سیّدی

طراحی جلد، و دیزاین : ثاوات (محمد) همدانی ۸۰۸۷/۱۴۶۱

تایپ: هیوا برزنجی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مہارت

نوبت چاپ: اول - تابستان ۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شاپک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۵۷۲-۲

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

سخنی با خواننده‌ی گرامی.....	۷
پیشگفتار.....	۱۰

فصل اول

هندوستان سفر اول، بمبئی.....	۱۵
سفر دوم من همراهِ همسرم، مقصد بمبئی کشور هندوستان.....	۴۰
شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشور هندوستان.....	۷۷

فصل دوم

سفر به ونزوئلا کشوری در آوِ بحر جنوبی.....	۹۰
وضعیت ونزوئلا در تاریخ ۱۳۴۱/۲/۱۰ تا ۳۰ آوریل ۲۰۱۹.....	۲۶۳
شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشور ونزوئلا ثروتمندترین کشور نفتی.....	۲۸۷

فصل سوم

سفر به آمریکا.....	۲۹۸
شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و تاریخی سرزمین آمریکا.....	۳۲۵

فصل چهارم

سفر به کانادا.....	۳۳۳
شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشور کانادا.....	۳۶۵

فصل پنجم

سفر به آرژانتین.....	۳۷۲
شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشور آرژانتین.....	۴۰۳

فصل ششم

سفر به کاستاریکا.....	۴۱۰
شرح مختصری از موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشور کاستاریکا.....	۴۳۳

سخنی با خواننده‌ی گرامی

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
صوفی نشود صافی تا در نکشد سعدی

جهان در آینه‌ی رمان کتاب پیش روی شما عزیزان خواننده، روایتی داستانی از سفرهای بیرون از زاویه‌گاه و سرزمینم است، این سفرها چشمانم را به جهانی گشود که تا با چشم سر نبینیم شاید نتوانیم آنگونه که هست تصور کنیم. موضوعات مندرج در این کتاب به سرزمین‌هایی اشاره و اختصاص دارد که در سال ۱۴۰۰ ال‌اخیر، یعنی بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی یا سال ۱۳۷۹ میلادی به انجام رسید است. آنجا که هر کشوری بر حسب شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی دارای شیوه‌ها و روش‌های حقوقی، حکومتی و سیاسی متفاوتی است به همین خاطر ترجیح می‌دهم تا آنجا که مقدور است اطلاعاتی را که دست آورد این سفرها بوده است به صورت مختصر ولی مفید در این کتاب بگنجانم و خواننده را با گوشه‌هایی از شهرها و شیوه‌های زندگی مردمان کشورهای مختلف آشنا سازم. اگر چه می‌دانم که بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ تعداد زیادی از هموطنان به هر دلیل شخصی، این را ترک کرده و به کشورهای خارج مهاجرت نموده‌اند و مسلماً بسیاری از آنان اطلاعات بسیاری پیرامون کشور محل اقامت خود در اختیار دارند و لابد خاطرات شیرین و جذابی را که محصول و معمول سفر است در چمدانی با خود به همراه آورده‌اند، ولی طبیعی است که هدف و مقصود از سفر و نوع نگاه افراد مسافر و اتفاقاتی که در این ایام پیش می‌آید می‌تواند به هر دلیل متفاوت باشد.

اکنون سعی می‌کنم جهت پیشگیری از اطالهی کلام وارد این مبحث نشوم و خواننده را در ابتدای امر از این همسفری دچار تردید ننمایم لذا از اولین سفر به خارج از کشور و بعد از انقلاب ایران به ترتیب شروع به نقل و نگارش می‌نمایم.

سال‌های زیادی بارها، بار سفر بسته و راهی سرزمین‌هایی شده‌ام که در نوجوانی نامشان را شنیده بودم و مثل هر انسانی در آن سنین شو و حرارت و خواستن و جستن در خاطر بلند پروازم برانداخت. آن رؤیاهای زیبایی ساخته بودم که بی‌دلیل گاهی در دریای خیال غرق می‌شدند. تا سرانجام روزی فرارسد تمامی آن رؤیاهای خیس را چون ماهی تازه از آب گرفتم و هم چون مارکوپولو سفره‌ی پر جرا را آغاز کردم. سفرهایی که مرا پخته کردند ساختند و جهان بینی مرا وسعتی به پهنای جمع‌فایان رساند. بخشیدند گویی سیمرخ در پرواز بودم از کوه قاف عبور می‌کردم، خود را هر بار در ابتدای راه می‌یافتم و تازه می‌شدم، می‌شگفتم احساس می‌کردم چون کودکی بزرگ شدنم را لمس می‌کند، و درس از ناشناخته‌ها فائق می‌گشتم دنیا خیلی بزرگتر از آن است که به تصور آید. دنیا پر از زیبایی‌های مسحور کننده است و شهر و زادگاه من در برابر این همه وسعت چقدر کوچک بود، آنچه می‌دانم خوی مهربانی در همه جای دنیا چون لبخندی زیبا زیور و زینت انسانیت بود، انسانیت کیش مردمی بلند نظر است بود که دین و آیین از هر نوع (اسلام، مسیحیت، یهودیت) مرز و خط قرمز میان آنها نیست، مهر و مهربانی بزرگترین دین میان انسان‌ها است به این خاطر می‌توانستم بدون سخن گفتن، با نگاه و ایما و اشاره با مردم سرزمین‌های دور شاهد خلق زیباترین ارتباط‌ها باشم و هرگز از حس غربت هراسان نمی‌شدم. هر لحظه به شناخت و آگاهی من در مورد مردمان و سرزمین‌های ناشناخته افزوده می‌شد. به هر جا پای می‌گذاشتم گویی سرزمینم بود حس جهان وطنی به من دست می‌داد مهربانی و انسانیت حس غربت را از من می‌گرفت. و خدای را سپاس می‌گفتم که این فرصت‌ها را به من داده است تا خود و جهانی را که در آن زندگی می‌کنم بهتر و بیشتر بشناسم،

و شناخت و معرفت را نه به یکباره، بلکه جرعه جرعه به مانند شرابی گوارا سربکشم و از عظمت کائنات مدهوش شوم و چون پیر خرابات، مست در وادی حیرت شوم.

اکنون چمدانی پر از خاطرات، در خاطر و اندیشه دارم کوله باری پر از رؤیاهای تلخ و شیرین که با قلم بر صفحات سفید کاغذ جاری می‌کنم بسا که دری بگشاید به راه‌های نرفته در اندرون شما خوانندگان گرامی، باید اذعان کنم زندگی گرچه به ظاهر طولانی است اما به خط پایان می‌رسی کوتاه بودنش را حس می‌کنی، امید که سفر زندگیتان پر بار و سرشار از خاطرات و رؤیاهای شیرین باشد که بعدها در کتابی برای استفاده‌ی آیندگان چون گلزار بهار، نگاشته شود.

با احترام سلیمان سیدی